

تعامل تقابلی ساختار-کارگزار و توسعه ایران: رهیافت واقع‌گرایی انتقادی

ابراهیم متقی^۱، گلناز نریمانی^۲

^۱ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

چالش‌های توسعه ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دو متغیر بنیادین ارتباط دارد. نخست، ایران تلاش دارد تا فراتر از توزیع قدرت در ساختار نظام بین‌الملل برای خود جایگاه اقتصادی، سیاسی و راهبردی برتری در منطقه به‌دست آورد، و چنین رویکردی می‌تواند موازنه قدرت در اقتصاد و سیاست جهانی را با چالش روبه‌رو کند. دوم، ایران رویکرد سیاسی خود را در تقابل با ساختار، و نظام سلطه قرار داده است و الگوی حاکم بر آن را ناعادلانه می‌داند. تجربه تاریخی نشان داده است که نظام سرمایه‌داری جهانی نیز با نیروهای انتقادی و چالشگر برخورد مقابله‌جویانه داشته و دارد. بنابراین، محور اصلی تأخیر در توسعه‌یافتگی ایران در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ را باید در جهت‌گیری تقابل‌جویانه نظام بین‌الملل به‌ویژه امریکا در برابر ایران دانست. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به پرسش‌های پژوهشی زیر است: ۱. ماهیت تعامل جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل چه بوده است؟ ۲. دلایل تقابل‌گرایی در برخورد ایران با نظام بین‌الملل چیست؟ ۳. تا چه اندازه این نوع مواجهه ایران با نظام بین‌الملل بر توسعه کشور در دوره پساانقلاب اسلامی تأثیر گذاشته است؟ در فرضیه پژوهش، استدلال می‌شود که چگونگی مواجهه نظام بین‌الملل با ایران و واکنش کنشگران مهم به رفتار سیاست خارجی کشور بر توسعه ایران تأثیر منفی گذاشته است. با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی انتقادی روی باسکار، پیامدهای چگونگی مواجهه ایران با ساختار نظام بین‌الملل، براساس نحوه تعامل تقابلی کارگزار داخلی با اجزای نظام بین‌الملل (ساختار، نهادها و هنجارهای آن) برای توسعه ایران تبیین می‌شود. با تحلیل داده‌های موجود در گزارش‌های رسمی ارائه‌شده در زمینه عملکرد اقتصادی از سوی نهادهای دولتی ایرانی و بین‌المللی، و نیز بررسی ارزیابی‌های کارشناسان مسائل اقتصاد سیاسی بین‌المللی چگونگی رابطه بین توسعه ایران و موانع یا عوامل محدودکننده در سطوح ملی و نظام بین‌الملل تبیین می‌شود. نتایج نشان‌دهنده این است که ناهمسویی و تضاد ایدئولوژیک نظام بین‌الملل به کند شدن روند توسعه کشور منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، جمهوری اسلامی ایران، نظریه واقع‌گرایی انتقادی، تقابل‌گرایی، جهت‌گیری تقابل‌جویانه نظام بین‌الملل

۱. نویسنده مسئول، رایانامه emottaghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۵ فروردین ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

DOI: 10.22059/JPQ.2022.300327.1007571

© University of Tehran

۱. مقدمه

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با برگزیدن شعار «نه شرقی - نه غربی» وارد حوزه کنشگری در برابر ساخت ناعادلانه نظام بین‌الملل و قطب‌های قدرت آن شد، و نحوه توزیع قدرت این نظام و قواعد آن را به چالش کشید، به‌ویژه با تسخیر سفارت امریکا در آبان ۱۳۵۸ روابط ایران با نظام بین‌الملل و قدرت هژمون آن وارد مرحله تقابلی بسیار شدیدی شد. ایران دو ایدئولوژی کمونیسم و کاپیتالیسم نظام شرق و غرب را به چالش کشید، و ایدئولوژی و الگوی اسلام سیاسی را وارد عرصه رقابت‌های نظام بین‌الملل کرد؛ این ایدئولوژی‌ها به دلیل برداشت‌های مادی‌گرایانه، ظالمانه و سلطه‌گری مورد انتقاد و نفی جمهوری اسلامی قرار گرفت. رهبران ایران با در پیش گرفتن رویکرد اسلامی - انقلابی و عدالت‌طلبی، طرح وحدت جهان اسلام، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های رهایی‌بخش، نظام مبتنی بر قدرت جهان را به چالش کشیدند، و قواعد، هنجارها و نهادهای آن را تضمین‌کننده منافع قدرت‌های سلطه‌گر و تداوم‌بخش تسلط آنها دانستند، و هسته‌های اصلی گفتمان حاکم را نقد و نفی کردند. واکنش کنشگران رقیب و متخاصم در نظام بین‌الملل (امریکا و هم‌پیمانان آن در اروپا و منطقه خاورمیانه) به رفتار سیاست خارجی ایدئولوژیک ایران به این صورت بوده است که با ابزارها و سازوکارهایی مانند تحریم اقتصادی، اقدام نظامی (جنگ عراق و ایران)، جنگ روانی و ایران‌هراسی، به انزوا کشاندن و سایر فشارهای سیاسی پاسخ داده، و این اقدام‌ها به‌نوبه خود بر رشد اقتصادی و توسعه ملی ایران تأثیر منفی گذاشته است.

بررسی چگونگی تأثیر عوامل سطح بین‌المللی مرتبط با ویژگی ساختار، کنشگران مانند افراد و نهادها، و هنجارها در نظام بین‌الملل در پیشبرد وضعیت توسعه یا توسعه‌نیافتگی ایران اهمیت بسیار زیادی دارد. به بیان دیگر، برای فهم و شناخت وضعیت توسعه در ایران باید نگاه دقیق و موشکافانه‌ای هم به سطح ساختاری و هم کارگزاری این وضعیت داشته باشیم. در واقع، فهم واقع‌بینانه جایگاه اقتصادی کشورها در جهان مستلزم بررسی رابطه متقابل و دیالکتیک ساختار-کارگزار^۱ درگیر در آن است. در ادامه تلاش می‌شود تا کنش‌های ایران در سه بعد ساختاری، نهادی و هنجاری نظام بین‌الملل، و واکنش‌های این نظام در برابر تلاش این کشور در مسیر دستیابی به توسعه بررسی شود. در این زمینه از چارچوب نظری واقع‌گرایی انتقادی^۲ باسکار^۳ استفاده می‌شود. هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی زیر است: ۱. ماهیت تعامل جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل از ۱۳۵۷ تاکنون چه بوده است؟ ۲. دلایل تقابل‌گرایی در برخورد ایران با نظام بین‌الملل چیست؟ ۳. تا چه حد عوامل

1. Agent- Structure
2. Critical Realism
3. Roy Bhaskar

سطح بین‌المللی در رفتار سیاست خارجی ایران تأثیر داشته است؟ تا چه حد رویارویی تقابلی‌گرایانه ایران با نظام بین‌الملل بر توسعه کشور در دوره پساانقلاب اسلامی تأثیر گذاشته است؟

در فرضیه پژوهش، استدلال می‌شود که چگونگی مواجهه ایران با نظام بین‌الملل بر توسعه ایران تأثیر منفی گذاشته است. چگونگی مواجهه ایران با ساخت نظام بین‌الملل، براساس نحوه تعامل تقابلی^۱ کارگزار داخلی (متأثر از نوع نظام سیاسی داخلی، ماهیت نخبگان سیاسی، و جهت‌گیری سیاست خارجی رهبران مبتنی بر جهان‌بینی آنها) با اجزای نظام بین‌الملل (ساختار، نهادها و هنجارهای آن) مشخص می‌شود. با تحلیل داده‌های ثانوی موجود در گزارش‌های رسمی ارائه‌شده در زمینه عملکرد اقتصادی از سوی نهادهای دولتی ایرانی و بین‌المللی مانند مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، بانک جهانی، و نیز با بررسی ارزیابی‌های اقتصاددانان توسعه و کارشناسان مسائل اقتصاد سیاسی بین‌المللی چگونگی رابطه بین توسعه ایران و موانع یا عوامل محدودکننده در سطوح ملی و نظام بین‌الملل تبیین می‌شود. نتایج نشان‌دهنده تأثیر منفی ناهمسویی و تضاد راهبردی ایران با نظام ناعادلانه بین‌الملل در ابعاد (ساختاری، نهادی و هنجاری) بوده که به کند شدن توسعه کشور منجر شده است.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر درصدد استخراج چارچوبی مناسب از درون نظریه واقع‌گرایی انتقادی به‌منظور تحلیل و تبیین تعامل کنش-واکنش ایران با ساختار نظام بین‌المللی، و تأثیر این تعامل تقابلی بر چگونگی پیشبرد فرایند توسعه در کشور است. هدف نشان دادن امکان و قابلیت به‌کارگیری و کاربرست اصول و مفاهیم این نظریه در تحلیل این مسئله است. بررسی پدیده‌های اجتماعی مانند توسعه، مستلزم توجه همزمان به اهمیت و نقش ساختارها و کارگزاران در شکل دادن به این فرایند است. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از رهیافت واقع‌گرایی انتقادی روی باسکار، نقش کنش‌های سیاست خارجی ایران و واکنش‌های نظام بین‌الملل به آن و تأثیر آن بر وضعیت توسعه در ایران بررسی شود. بنابر نظریه واقع‌گرایی انتقادی باسکار در تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع یک پدیده هم مؤلفه‌های سطح کارگزار و هم مؤلفه‌های سطح ساختار به‌عنوان لایه‌های پیچیده یک پدیده نقش اساسی دارند. واقع‌گرایان انتقادی به‌منظور تبیین رویکرد خود، از مفهوم ساختار-کارگزار استفاده کردند. ایران به‌منزله کارگزار و کنشگری فعال، در زمینه مؤلفه‌های محیط ساختاری نظام بین‌الملل که از پیش شکل گرفته و ساخت‌مند بوده است، معنا می‌یابد. محیط بین‌المللی نیز با تعیین شایستگی‌های بالقوه و پیامدهای مستقیم

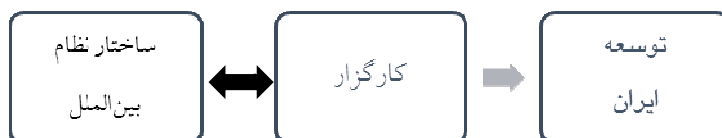
کنش‌های ایران به‌طور همزمان محدودکننده و توانایی‌بخش این کنشگر نظام بین‌الملل، در پیشبرد توان اقتصادی داخلی خود است. با وجود این، ساختار نظام بین‌الملل به‌طور مستقیم نتایج وضعیت توسعه این کنشگر را تعیین نمی‌کند، بلکه تنها دامنه بالقوه انتخاب‌ها و راهبردهای آن را در روند توسعه‌یافتگی و تقویت توان داخلی خود مشخص می‌سازد. فرض بر این است که ماهیت محدودیت‌ها و نیز دامنه فرصت‌هایی که از سوی محیط ساخت‌مندشده نظام بین‌الملل بر کنش ایران تحمیل می‌شود، دارای ویژگی دوگانه است: ویژگی فیزیکی آن به خصایص مکانی و زمانی محیط بالقوه بین‌المللی برای کنش آنها اشاره دارد؛ ویژگی اجتماعی آن نیز حاصل پیامدهای خواسته و ناخواسته کنش یا بی‌کنشی پیشین کارگزار بر زمینه ساخت‌مندشده نظام بین‌الملل است.

پیش‌فرض بعدی درباره تطابق چارچوب نظری با متن این پژوهش این است که امکان در نظر گرفتن محدودیت‌های ساخت‌مند نظام بین‌الملل به‌منزله منافع و فرصت‌هایی برای توسعه این کشور وجود دارد. در واقع، در اینجا فرض بر این است که هر محدودیت مستلزم فرصت بالقوه برای کنشگر نیز است. کنشی راهبردی است که بیانگر تعامل دیالکتیک کنشگران صاحب اراده و آگاه (کارگزار ایران)، ولی در عین حال محاط‌شده از سوی ساختار نظام بین‌الملل و زمینه‌های از پیش شکل‌گرفته‌ای که آنها در آن ساکن‌اند، باشد. هرچند کنش ایران درون محیط ساخت‌مندشده نظام بین‌الملل تحقق می‌یابد، این کنشگر عرصه بین‌الملل، قابلیت تغییر این ساختار از راه کنش‌ها و رفتارهای خود را نیز دارد؛ این تأثیر کارگزار بر ساختار ممکن است آگاهانه و عمدی یا ناخواسته باشد (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۳۱۲-۳۱۰). واقع‌گرایان ایرانی (در طیف تسلیم‌طلبانه و مواجهه‌جویانه انتقادی) برداشت اراده‌گرایانه از محیط بین‌المللی دارند و به ویژگی‌های ساختاری کمتر از کنشگران (از جمله دولت‌های دیگر) اهمیت می‌دهند. برخلاف آنها، واقع‌گرایان عمل‌گرا بیش از این دو برای ساختار اولویت قائل می‌شوند، اما اعمال کارگزاری را برای مواجهه با فرصت‌ها و محدودیت‌های ایجادشده بر اثر شرایط ساختاری در نظر می‌گیرند (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

همان‌طور که اشاره شد، در نظریه باسکار جهان اجتماعی متشکل از کارگزار و ساختار است که رابطه تعاملی و دوسویه دارند. در این دیدگاه ساختار متشکل از شرایط از پیش موجود و ضروری برای کارگزار قصدمند است که تنها در پرتو آن امکان وجودی و بقا دارد (Bhaskar, 1979: 41-45). بر این اساس، ساختار نظام بین‌الملل هم شرط و هم نتیجه عامل کارگزار است؛ و کارگزار نیز ساختار را هم بازتولید و هم تغییر شکل می‌دهد (Bhaskar, 1998: xiii). بنابراین، بر اساس این رویکرد وضعیت توسعه‌یافتگی و درجه رشد اقتصادی ایران، نه ناشی از تنها نقش و تأثیر بعد ساختاری نظام بین‌الملل است، و نه ناشی از

وضعیت تنها داخلی و عامل کارگزاری صرف؛ بلکه وضعیت پیچیده دو عامل ساخت‌مند نظام بین‌الملل و هم وجه کارگزاری قصدمند است.

شکل ۱. تأثیر رابطه دوسویه ساختار-کارگزار بر توسعه در ایران



منبع: نگارندگان

ساختار نظام بین‌الملل واجد نیروی علی است که درباره توسعه‌یافتگی برخی کردارها و سیاست‌های کارگزار (ایران) را تسهیل و برخی دیگر را تحدید می‌کند. با این حال، همان‌گونه که ساختار نظام بین‌الملل واجد نیروی علی و تعیین‌کنندگی است، کارگزار (ایران) نیز با اتکا به همین نیرو و با اتخاذ رویکردها و سیاست خارجی متناسب می‌تواند ساختارهای از پیش موجود را برای پیشرفت و رشد و توسعه خود تغییر دهد یا بازتولید کند. براساس این تعاملات متنوع است که در واقع‌گرایی انتقادی باسکار ماهیت جهان و پدیده‌ها پیچیده، تمایز یافته و لایه‌مند فرض می‌شود (افروغ، ۱۳۹۴: ۲۴-۱۶)؛ پیچیده بدین معنا که در خلق وضعیت و شرایط توسعه ایران عوامل بسیاری اعم از درونی و بیرونی دخیل‌اند. این عوامل از دیدگاه او شامل ساختارها، سازوکارها، قابلیت‌ها و نیروهای علی‌اند؛ پیچیدگی سبب می‌شود که نتوان در تبیین این موضوع تمامی عوامل آن را به‌درستی بررسی، شناخت، نظارت، پیش‌بینی و در نهایت - به‌دلیل باز بودن ماهیت نظام - تبیین کرد. در نظام‌های باز پدیده‌ها از راه ساختارهای علی، سازوکارها، فرایندها یا رشته‌های متعدد و چندگانه خلق می‌شوند (Bhaskar, 1975, 1979). توسعه‌یافتگی هر کشور از لایه‌های چندگانه‌ای تشکیل شده است که نمایانگر تمایز بین ساختارهای تشکیل‌دهنده رویدادها از رویدادهای خلق‌شده جدید است. این موضوع نشان‌دهنده طبقه‌بندی چندلایه است. ارتباط بین این سطوح متفاوت رابطه‌ای تعاملی، ترکیبی و آمیخته است؛ و این نوع تعامل، نظام یا کلیت لایه‌مندی را ایجاد می‌کند؛ نظامی که متشکل از سطوح متفاوت و در عین حال متعامل است (Jessop, 1990: 27-43).

براساس نظریه واقع‌گرایی انتقادی باسکار، توسعه‌یافتگی و پیشبرد فرایند آن نه محصول هماهنگی کامل میان عناصر ساختاری نظام بین‌الملل و عناصر کارگزار داخلی است، و نه ناشی از تقابل میان این دو عنصر، بلکه نتیجه تعامل پویایی است که میان عناصر ساختاری نظام

بین‌الملل و کارگزار داخل در یک رابطه متقابل و تعامل‌گونه وجود دارد. با وجود این، تعامل پویا میان ساختار و کارگزار برای همه کشورها صدق نمی‌کند. تعاملات گوناگونی بر اثر نحوه سیاست خارجی و نظام حاکمیتی کشورهای جهان حاصل می‌شود. برای مثال، در مورد ایران، نه تنها شاهد تعامل پویا میان بافت داخلی و ساخت نظام بین‌الملل در دوران جمهوری اسلامی نبوده‌ایم، بلکه به‌نوعی شاهد تقابل ممتد و پیوسته میان این دو عنصر ساختار و کارگزار بوده‌ایم، که نتیجه آن بازدارندگی توسعه در ایران بوده است. در ادامه رویکرد ایران در برابر ابعاد سه‌گانه ساختاری، نهادی و هنجاری^۱ نظام بین‌الملل بررسی می‌شود.

۳. تعامل ایران و نظام بین‌الملل

۳.۱. ایران و بعد ساختاری نظام بین‌الملل

بسیاری از تحلیلگران مسائل ایران تأکید کرده‌اند که عوامل سطح نظام بین‌الملل (دربگیرنده کنشگران، روندها، فرایندها و نهادهای بین‌المللی) به‌ویژه تعامل یا تقابل با قدرت‌های بزرگ بر رفتار سیاست خارجی ایران تأثیر زیادی داشته است (جوادی ارجمند و گنج‌لو، ۱۳۹۹: ۲۴). رویکرد سیاست خارجی ایران متأثر از تحولات انقلاب اسلامی را می‌توان بیشتر ایدئولوژیک-امنیتی دانست. برخی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: صدور انقلاب، نفی سلطه، پشتیبانی از وحدت جهان اسلام، احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی دیگران، نفی ظلم و حمایت از مظلوم، سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه، اتحاد جهان اسلام، روابط بر اساس اسلام و اصول انسانی (Salehzadeh, 2013: 6). در واقع نظام جمهوری اسلامی در شرایطی استقرار یافت که ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی بود. این کشور نه تنها وابستگی به هیچ‌یک از ایدئولوژی‌های ابرقدرت‌ها را منطقی و اصولی نمی‌داند و سیاست عدم تعهد را در این محدوده پیروی می‌کند، بلکه برای از بین رفتن نظام موجود حاکم بر روابط بین‌الملل تلاش و مبارزه می‌کند (آقا محمدی، ۱۳۹۰: ۳۰). این رویکرد جدید سبب شد که نخست، بازیگران عرصه روابط بین‌الملل به جمهوری اسلامی به‌عنوان نیروی برهم‌زننده نظم جهانی بنگرند؛ و دوم در سطح منطقه نیز بسیاری از کشورها ایران را به‌منزله خطر بالقوه و تهدیدکننده امنیت ملی تلقی کنند (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۳). جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها بر اساس شاخص‌های درون‌ساختاری، قالب‌های ایدئولوژیک، شرایط ژئوپلیتیک و نوع واکنش سایر بازیگران تأثیرگذار در نظام بین‌الملل و خرده‌نظام منطقه‌ای^۲ شکل می‌گیرد. کشورهایی که رویکرد و جهت‌گیری رادیکال دارند، با نظم

1. Structural, Institutional and Normative Dimensions
2. Regional Subsystem

منطقه‌ای موجود هماهنگی و همگونی نخواهند داشت. در این شرایط نشانه‌های تعارض و جدال بین نیروهای رادیکال با قدرت‌های بزرگ و نیز واحدهای منطقه‌ای ایجاد می‌شود (متقی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). حساسیت مسئله زمانی بیشتر احساس می‌شود که یک بازیگر انقلابی مخالف این نظم، نگاهی هویت‌محور و ایدئولوژیک و پتانسیل تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای را داشته باشد. ایالات متحده به‌عنوان هژمون نظام بین‌الملل، جمهوری اسلامی را به‌مثابه قدرت یا نیروی ضد هژمون تلقی کرده و اقدام‌های این نیروی مخالف را تلاش برای قدرت برتر منطقه‌ای شدن تفسیر می‌کند. از این رو برای تغییر در رفتار ایران، راهبرد تغییر رژیم با فشار و تحریم راهکار مقابله با این نیروی ضد هژمون است (Snyder, 1999: 266-267).

ایران با در پیش گرفتن رویکرد اسلامی - انقلابی و عدالت‌طلبی، طرح وحدت جهان اسلام، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های رهایی‌بخش جهان نظام مبتنی بر قدرت جهان را به چالش کشید و قواعد، هنجارها و نهادهای آن را تضمین‌کننده منافع قدرت‌های سلطه‌گر و تداوم‌بخش تسلط آنها دانست و هسته‌های اصلی گفتمان حاکم را نقد و نفی کرد. ایران با سیاست نه شرقی - نه غربی و در قالب راهبرد صدور انقلاب سعی در ترویج رویکرد آرمان‌گرای ارزش‌محور خود داشت. از این لحاظ، ایران با ارزش‌ها و قواعد بازی نظام بین‌الملل هیچ‌گونه قرابتی نداشت و با واکنش سایر بازیگران نظام روبه‌رو شد. از نظر اسپوزیتو یکی از اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید شده است، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است؛ این هدفی بود که بیش از سایر اهداف انقلابی، توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد، و در دولت‌های غربی و اسلامی هراس افکند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۷). از نظر فولر نیز انقلاب ایران در صدد نفی کامل ساختار مسلط روابط بین‌الملل و جایگزین ساختن ساختاری جدید با محوریت جهان اسلام بود، آن هم اسلام حقیقی که در جهت آزادسازی دنیای اسلام از سیطره غرب گام برمی‌دارد و در مقابل اسلام امریکایی است (فولر، ۱۳۷۷: ۱۱). در نتیجه، این رویکرد برای قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی ایران در دوران پس از انقلاب ماهیت تهدیدآمیز داشته است. همان اندازه که انقلاب ایران برای جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های رادیکال، منبع الهام، تحرک و انگیزش برای کنشگری بوده، برای قدرت‌های بزرگ نشانه‌ای از تهدید و نگرانی تلقی شده است. براساس این ادراک بود که سیاست خارجی ایران را با نشانه‌هایی از کنش‌های تروریستی و گسترش چالشگری در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین کرده‌اند (متقی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

در دوران پس از انقلاب شاهد تداوم انتقاد به ترتیبات موجود بین‌المللی، اظهار نگرانی از اینکه نهادهای بین‌المللی در خدمت قدرت‌های بزرگ هستند، نقد رویکرد ایالات متحده به سیاست بین‌الملل، نکوهش غرب به دلیل نقش آن در زمینه‌سازی، شکل دادن یا بهره‌برداری

از تعارض‌ها در خاورمیانه، حمایت از جنبش‌های ضدامپریالیستی و اسلامی، حمایت از آرمان فلسطین، و تأکید بر برقراری عدالت در جهان هستیم (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۱۶). در واقع، ایران با آمریکا و کشورهای غربی تضادهای شدیدی دیدگاهی در موضوع‌های متعددی از جمله تروریسم، جنبش‌های اسلامی، حقوق بشر، روند صلح اعراب و اسرائیل و مسائل دیگر دارد که دارای ریشه‌های عمیق تاریخی، هویتی و ایدئولوژیک است. ایران، آمریکا را کشوری سلطه‌گر، استکباری و «شیطان بزرگ» قلمداد می‌کند، درحالی‌که آمریکا نیز ایران را نقض‌کننده حقوق بشر، حامی تروریسم و «محور شرارت» می‌داند که باید به مقابله با آن به هر نحوی پرداخت. یکی از پیامدهای دشمنی و تقابل این دو کشور، دشواری حرکت ایران در مسیر رشد و پیشرفت اقتصادی، و صنعتی شدن با وجود استراتژیک بودن و بسیار تأثیرگذار بودن ایران در در معادلات منطقه‌ای و جهانی بوده است.

به‌طور کلی، سیاست خارجی ایران نتیجه کنش متقابل میان کارگزار (ایران) و ساختار (جامعه بین‌الملل) است. در این ارتباط متقابل، جامعه بین‌الملل با ساختار قدرت، هنجارها و نهادهای حاکم بر آن مشخص می‌شود و ایران با ایدئولوژی، ژئوپلیتیک و ذهنیتی که در زمینه چگونگی توزیع قدرت و نهادهای بین‌المللی دارد، شناخته می‌شود. هر کدام از این عناصر بسته به ماهیت آنها، می‌توانند زمینه‌های تعامل یا تقابل را فراهم کنند (آقامحمدی، ۱۳۹۰: ۳۳). در واقع ویژگی‌های خاص گرایانه ایران به‌عنوان کارگزار سبب شده است، ساختار نتواند خود را برای ایجاد تعامل با آن اقلان کند. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها ایدئولوژی‌گرایی بوده که منطق آن اغلب به مسئولیت‌ها، وظایف و تکالیف‌هایی بخش در رفتار سیاست خارجی ایران منجر شده است (Mohammad Nia, 2012: 12). به بیان دیگر، ایران همانند اغلب نظام‌های انقلابی در اوایل پیروزی خود متأثر از رویکرد ایدئولوژیک، نگرش‌های تجدیدنظرطلبانه و کنش‌های تقابلی‌جویانه‌ای را در مورد ساختار و نظم موجود جهانی در پیش گرفت، و در سیاست خارجی خود راهبردهایی مانند ارتباط با کشورهای جهان سوم، و پیوند با نهضت‌های انقلابی در جهان را در دستور کار قرار داد. این موضوع واکنش عملی ساختار نظام بین‌الملل و بازیگران اصلی آن را با در پیش گرفتن سیاست‌های تقابلی و تهاجمی مثل جنگ تحمیلی با عراق، اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، در انزوا قرار دادن ایران و تلاش برای براندازی نظام حاکم برانگیخت.

۲.۳. ایران و بعد نهادی نظام بین‌الملل

رویکرد ایران به نظام بین‌الملل پس از انقلاب متأثر از تضاد هویتی بین اصول و ارزش‌های اسلام سیاسی با ایدئولوژی سرمایه‌داری لیبرال نظام بین‌الملل، دچار تغییر و تحول اساسی و واگرایی و تقابل شدیدی با آن شد. در این دوران حاکمیت دگرسازی از غرب در گفتمان سیاسی

ایران، تضاد منابع و اصول اسلام فقاهتی با منابع و اصول معرفتی گفتمان مسلط جهانی، در پیش گرفتن سیاست صدور قهرآمیز انقلاب اسلامی و حاکمیت نگاه ساختارشکنانه و تغییر وضع موجود به نظام بین‌الملل اساسی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاستگذاری ایران در برابر نهادهای بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران در بدو پیدایش خود رویکرد سلبی و بدبینانه‌ای را به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در پیش گرفت. این نگرش در طول این دوران چهل‌ساله نیز همچنان با شدت و ضعف در تاروپود سیاست خارجی ایران درک‌شدنی است، زیرا ایران نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست قدرت‌های سلطه‌گر و در رأس آنها آمریکا به‌منظور استثمار ملل محروم می‌داند. هرچند این نگاه تقابلی جویانه به وجه نهادی نظام بین‌الملل در دوره‌هایی تا حدودی اصلاح و تعدیل شده است، کماکان با وجه ایدئولوژیک و مبانی اسلام سیاسی تطابق دارد، و به حضور خود در نظریه و عمل همچنان ادامه می‌دهد.

بررسی دوره‌ای مواضع ایران درباره نهادهای نظام بین‌المللی نشان می‌دهد که در پی استعفای دولت موقت بازرگان، ایران در عمل راهبردهایی را مثل مواجهه با نظم هژمونیک و سلطه‌گر جهانی به رهبریت امریکای امپریالیست، تلاش برای برقراری نظم عادلانه اسلامی و صدور ارزش‌های انقلابی خود در پیش گرفت. در اوایل، انقلاب ایران رویکرد مواجهه‌جویانه و تقابلی شدیدی را با نهادهای بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد اتخاذ کرد و آن را ابزاری دست آمریکا و به‌منظور مشروعیت دادن به اقدام‌های کشورهای دارای حق و تو می‌دانست. با پایان یافتن جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، دوران تازه‌ای در روابط ایران با نهادها و مجامع بین‌المللی آغاز شد. همسویی سیاست ایران در قبال آزاد کردن گروگان‌های امریکایی در لبنان و نیز تهاجم عراق به کویت با جامعه بین‌الملل، فضای سیاسی بین ایران و کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی را مثبت و سازنده ساخت (Soltani, 2010: 202).

با روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی و متأثر از رویکرد سازندگی او، رویکرد ایران دچار تغییر اساسی شد و سیاست تعامل با سازمان‌های بین‌المللی در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت. رویکرد گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی نیز ادامه سیاست دولت پیشین در برابر مجامع بین‌المللی بود و نقطه عطف پررنگی در روابط متقابل ایران با این نهادها بود که سبب بهبود جایگاه طرفین در نزد یکدیگر شد. این در حالی است که در دوران احمدی‌نژاد شاهد برگشت‌پذیری رویکرد ایران به اوایل انقلاب نسبت به سازمان‌های بین‌المللی بودیم و سیاست نفی و بی‌توجهی به آنها در پیش گرفته شد که به تصویب قطعنامه‌های متعددی در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد علیه ایران انجامید. در نهایت، با روی کار آمدن روحانی شاهد ادامه سیاست تعامل سازنده و بهره‌گیری از این سازمان‌ها در راستای تأمین اهداف و منافع ملی کشور در جامعه جهانی هستیم. در مجموع می‌توان گفت در دوران چهل‌ساله حاکمیت نظام

جمهوری اسلامی، ایران روند ثابت و سیاست یکسانی را در قبال سازمان‌ها، نهادها و مجامع بین‌المللی اتخاذ نکرده است، بلکه متأثر از مؤلفه‌هایی همچون تغییر دولت‌ها و گفتمان‌های سیاست خارجی و همچنین وضعیت اقتصادی و سیاسی داخلی، جهت‌گیری ایران در برابر آنها دچار تغییرات و نوسانات زیادی شده است.

۳.۳. ایران و بعد هنجاری نظام بین‌الملل

ایران پس از انقلاب بسیاری از هنجارها و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل را نقد کرده و آنها را ابزارهای سلطه‌جویی و زورگویی قدرت‌های بزرگ غربی به‌ویژه آمریکا و انگلیس قلمداد کرده است. در واقع ارزش‌ها و لایه‌های هنجارهای حاکم بر انقلاب مذهبی ایران، با ارزش‌ها و هنجارهای لیبرالیسم بسیار متفاوت و زاویه‌دار بوده است. اغلب پژوهشگران لایه‌های فرهنگی و هنجاری ایران را به سه گروه زیر تقسیم می‌کنند: بعد مذهبی و دینی، بعد سنتی-ایرانی و بعد مدرنیته جهانی. این سه لایه در دوره‌های مختلف نمودهای متفاوتی در عرصه اجتماعی و سیاسی کشور داشته و هر کدام در زمان‌های مختلف بر سپهر سیاسی اجتماعی کشور حاکم بوده است. به‌طور نمونه، در دوران حکومت پهلوی لایه سنتی-ایرانی بر همه ارکان و عرصه‌های کشور حاکمیت داشت، اما پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی به تدریج هنجارهای مذهبی و ایدئولوژیک بر لایه‌های هویتی و فرهنگی سیاست داخلی و خارجی کشور حاکم شد، به نحوی که رفتارها، اعمال، باورها و سیاستگذاری‌های همه کارگزاران در راستای تأیید و اجرای این هنجارهای مذهبی سازماندهی شد. با شکل‌گیری و حاکمیت این انگاره‌ها و هنجارها بر فضای گفتمانی کشور پس از انقلاب، چگونگی نگرش ایران به نظام بین‌الملل، ارکان و قواعد و هنجارهای آن نیز دچار تغییر و تحولات اساسی شد.

در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون ارزش‌ها و هنجارهایی را در تعارض با نظام بین‌الملل و منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود مطرح کردند که چالش‌هایی را در عرصه بین‌الملل به‌همراه داشته است که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از: استقلال از قدرت‌های بزرگ، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، مبارزه علیه وضعیت حاکم موجود در نظام بین‌الملل که مهم‌ترین شاخصه‌های آن شامل قدرت‌طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت و... است (ستوده، ۱۳۷۲: ۱۶۴). جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی تلاش کرد تا با تبدیل ارزش‌های بالا به هنجار در نظام بین‌الملل، افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار دهد، از این‌رو انقلابیون با اتخاذ سیاست صدور انقلاب، به گسترش و صدور الگوی انقلاب ایران در سراسر جهان مبادرت

کردند و با توجه به ایدئولوژی جهان‌شمول این انقلاب، اهدافی مانند احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ملی‌گرایی و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. با این حال ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در واقع پذیرای هنجارهای موجود بین‌المللی شد و هرچند ممکن است بتوان گفت همچنان برخی هنجارهای بین‌المللی مانند حق و تو در سازمان ملل را ناعادلانه می‌دانست، در مجموع سیاست گذشته خود مبنی بر بی‌اعتنایی به این سازمان‌ها را کنار گذاشت. در این زمینه ایران با سازمان‌های بزرگ اقتصادی بین‌المللی یعنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به توافق رسید، و دولت آقای هاشمی رفسنجانی به اتخاذ سیاست‌های تعدیل ساختاری و اصلاح اقتصادی برای بازسازی اقتصادی ایران پرداخت. ضرورت‌های بازسازی، دولت ایران را مجبور ساخت تا رویکرد خود به نظام بین‌الملل را از تقابل‌گرایی به تعامل‌گرایی تغییر دهد.

ایران در این دوره زمانی عادی‌سازی روابط با سایر بازیگران نظام بین‌الملل را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و تمایل بیشتری به رعایت هنجارها و قواعد بازی در نظام بین‌الملل از خود نشان داد. مقامات کشور تلاش داشتند تا با دیدارهای متعدد خود از سایر کشورها، مصالحه و همزیستی مسالمت‌آمیز را در سیاست خارجی خود مورد اهتمام قرار دهند و آنها را متقاعد سازند که ایران بازیگر چالشگر و برهم‌زننده هنجارهای شناخته‌شده بین‌المللی نبوده، بلکه خود را ملزم به رعایت این هنجارهای عام جهانی کرده است و آنها را در سیاست داخلی و خارجی خود به رسمیت می‌شناسد، و مورد احترام و پذیرش قرار می‌دهد. سیاست خارجی ایران در این دوران و نیز در دوران رئیس‌جمهوری خاتمی، از ایدئولوژی‌گرایی به ژئوپلیتیک‌گرایی تغییر یافت، یعنی از غلظت و بار ایدئولوژی در تعیین اهداف و منافع ملی تا حدودی کاسته شده، و بر اهمیت اهداف اقتصادی متأثر از موقعیت ژئوپلیتیک افزوده شد. همچنین تأثیرگذاری هنجارهای اسلام سیاسی در سیاست خارجی کمرنگ شده، و بر پذیرش هنجارهای نظام سرمایه‌داری لیبرال در نظام اقتصادی - سیاسی کشور تأکید بیشتری شد. خاتمی با طرح و بسط ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها تلاش داشت تا در فرایند هنجارسازی بین‌المللی مشارکت داشته باشد، و نقش فعال و پویاتری را در آن ایفا کند. رویکرد ایران در دوران احمدی‌نژاد در قبال اصول و هنجارهای بین‌المللی، رویکرد سلبی، بدبینانه، نفی‌محور، انتقادی و چالش‌طلبانه بود.

در مقایسه میان رویکرد ایران به هنجارهای بین‌الملل در دوران خاتمی و احمدی‌نژاد می‌توان نتیجه گرفت: ۱. گفتمان خاتمی با تکیه بر مؤلفه‌های مدرن ایجاد نقاط اشتراک با نظام بین‌الملل تأکید بر گفت‌وگوی تمدن‌ها به‌عنوان مبنای نظری گفتمان با دامنه حداکثری، ارجحیت دادن به دیپلماسی رسمی و در نهایت نمودهای عملی آن (پذیرش نظریه او از سوی

سازمان ملل) توانست ضمن پیروی از قواعد تنظیمی، قواعد تکوینی را نیز خلق کند؛ این موضوع سبب کنش و واکنش دوستانه با نظام بین‌الملل شد. در واقع، در گفتمان خاتمی سه اصل اعتماد متقابل، تفاهم متقابل و توانایی متقابل به‌عنوان اصول تعامل مطلوب حاصل شد. در نتیجه، رفتار دولت خاتمی به‌عنوان یک هویت دوست به نظام بین‌الملل ارسال و به موازات آن، تفسیر و برداشت دگرهای نظام بین‌الملل از این هویت نیز در همین قالب تعریف شد؛ ۲. برعکس، گفتمان احمدی‌نژاد با تکیه بر مؤلفه‌های سنت (ایجاد نقاط افتراق با نظام بین‌الملل)، تأکید بر گفت‌وگوی ادیان به‌عنوان یکی از مبانی نظری گفتمان با دامنه حداقلی، ارجحیت دادن به دیپلماسی غیررسمی و در نهایت نمودهای عملی آن (تحریم، صدور قطعنامه و...) از قواعد و هنجارهای پذیرفته‌شده نظام بین‌الملل منحرف شد و این زمینه تقابل را آن‌هم در رادیکال‌ترین شکل نمایان ساخت (بصیری و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۰).

با کنار رفتن احمدی‌نژاد و گفتمان رادیکال او، ایران در دوره حسن روحانی جهت‌گیری سیاست خارجی خود در قبال هنجارها و اصول و قواعد بین‌المللی را معتدل‌تر، سازنده‌تر و مسالمت‌آمیزتر از پیش پیگیری کرد. مقامات دولت اعتدال‌گرایی تلاش داشته‌اند تا در برابر مواضع بین‌المللی با احترام و منعطف‌تر از دوره پیش برخورد کرده و اختلاف‌های موجود را در چارچوب روش‌های مسالمت‌آمیز و با بهره‌گیری از دیپلماسی حل و فصل کنند. ایران با پیگیری خط‌مشی مذاکره بحران پرونده هسته‌ای خود را که تأثیر بسیار ناگواری بر جایگاه سیاسی و اقتصادی کشور داشت، در قالب توافق برجام با کشورهای ۱+۵ حل و فصل کرد، و روند سازشکارانه‌ای را با بازیگران عرصه نظام بین‌الملل در پیش گرفت.

۴. تأثیر کارگزار-ساختار نظام بین‌الملل بر توسعه ایران

برخی پژوهشگران ایرانی، بر این باورند که دیدگاه اسلام به کارگزار-ساختار تلفیقی است؛ برخی دیگر ادعا کرده‌اند که رهبران جمهوری اسلامی برای محوریت کارگزار اولویت بیشتری در مقایسه با ساختار قائل می‌شوند (آجیلی، ۱۳۹۹: ۴۶). بیان می‌شود که رویکرد رهبران ایرانی به سیاست خارجی براساس نگرش تلفیقی و تعاملی کارگزار-ساختار شکل گرفته و ایران نقش کارگزار را در تعامل با ساختار بین‌الملل ایفا می‌کند (ستوده، ۱۳۸۶، به نقل از آجیلی، ۱۳۹۹: ۴۷). «از نظر قرآن کریم، شرایط اجتماعی-اقتصادی، و سیاسی زاینده دست انسان است» (آجیلی، ۱۳۹۹: ۵۹). انسان (فرد تصمیم‌گیرنده) مهم‌ترین کارگزار در روابط بین‌کشورهاست (آجیلی، ۱۳۹۹: ۶۵). در سند چشم‌انداز بیان شده است که «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲). برای رسیدن به اهداف

سیاست خارجی مانند تبدیل ایران به مرکز جهان اسلام و حفظ امنیت کشور و هم‌پیمانانش باید بر توسعه اقتصادی و ارتقای سطح زندگی مردم تأکید شود (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۱۶). در دوران جمهوری اسلامی ساخت نظام بین‌الملل نقش بسیار پررنگ و مؤثری در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران داشته و چالش‌ها، موانع و محدودیت‌های متعددی را بر سر راه دستیابی ایران به اهداف و منافع ملی خود قرار داده است. در رابطه دیالکتیکی ساختار - کارگزار و نظریه باسکار ساختار نظام بین‌الملل از یک‌سو امکانات و فرصت‌های بسیار زیادی را برای کارگزار ایران فراهم می‌کند؛ و از سوی دیگر محدودیت‌ها و موانع زیادی از جمله اعمال تحریم را برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی ایران اعمال می‌کند. ایران نیز به‌عنوان کارگزار در واکنش به کنش‌های نظام، به دو صورت تعاملی و تهاجمی عمل می‌کند. در مواقعی که تلقی ساخت نظام بین‌الملل از ایران، به‌طور عمده نظامی و امنیتی می‌شود، ایران کنش‌های تهاجمی و تنش‌زا را برمی‌گزیند. در مواردی نیز همچون زمان اصلاحات و گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی و واقع‌گرایی اقتصادی هاشمی که تلقی نظام بین‌الملل از ایران فرهنگی و اقتصادی می‌شود، ایران نیز کنش‌های تعاملی و تنش‌زدا و سازنده را در سیاست خارجی در پیش می‌گیرد.

ایران همانند اغلب نظام‌های انقلابی در اوایل پیروزی خود، نگرش‌های تجدیدنظرطلبانه و کنش‌های تقابلی‌جویانه‌ای را نسبت به ساختار و نظم موجود جهانی در پیش گرفت. ایران با طرح گفتمان و راهبرد جدید اسلام سیاسی - شیعی و نفی دو رویکرد حاکم بر نظام بین‌الملل یعنی لیبرالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی، هنجارها و ارزش‌های مسلط جهانی را به چالش طلبید. احیای سنت سیاسی اسلام و هویت‌های دینی اسلام‌گرایانه و سنتی، سبب به چالش کشیده شدن معیارهای غربی و ارزش‌های مدرنیته در کشورهای غربی شد که آن را تهدیدی علیه خود قلمداد می‌کردند. در واقع، ارزش‌ها و هنجارهای معرفی‌شده از سوی ایران در تعارض ذاتی با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر نظام بین‌الملل قرار داشت، از این رو آنها ایران را تهدیدی برای نظم بین‌المللی موجود و منافع قدرت‌های جهانی قلمداد می‌کردند که لزوم مهار آن در تمام سیاست‌های آنها منعکس بود.

واقعیت این است که تعیین و تبیین منافع و اهداف ملی یک کشور نباید موجب هراس سایر بازیگران نظام بین‌الملل شود، اما این اصل در مورد ایران صدق نمی‌کند، چراکه اهداف سیاست خارجی ایران پس از انقلاب موجبات نگرانی عمیق کشورهای خلیج فارس، سایر همسایگان و دیگر بازیگران نظام بین‌الملل را سبب شده است. آنها ایران را متهم می‌کنند که قواعد بازی را رعایت نمی‌کند، و با نظام بین‌الملل در ستیز و رویارویی است. شاه عربستان بارها از ایران به‌عنوان تهدیدکننده امنیت منطقه‌ای و مداخله‌گر در کشورهای همسایه یاد کرده

است (Batrawy, 2020). واکنش نظام بین‌الملل به سیاست‌های رفتاری و ایدئولوژیک ایران به این صورت بوده است که با ابزارها و سازوکارهایی همچون تحریم اقتصادی، اقدام نظامی (جنگ عراق و ایران)، جنگ روانی و ایران‌هراسی، ایجاد انزوا و سایر فشارهای سیاسی پاسخ دهد، و مانع توسعه‌یافتگی و قدرت‌یابی ایران شود. در واقع، مهم‌ترین کنش‌های نظام بین‌الملل در اتخاذ رویکرد تعارض‌محور خود با ایران اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی، تصویب قطعنامه‌های متعدد، اعمال محدودیت‌های سیاسی و امنیتی و در انزوا قرار دادن ایران در عرصه روابط بین‌الملل بوده است.

از آنجا که هویت انقلاب ایران با هدف دفاع از مصالح اسلامی در تضاد کامل با هویت‌های برگرفته از ایدئولوژی مارکسیسم و هویت لیبرالیسم غربی بود، و انگاره‌های لیبرالی و مارکسیستی در زمان وقوع انقلاب ایران تشکیل‌دهنده انگاره‌های بین‌المللی بودند و چون انگاره انقلابی اسلامی ایران در تباین و تضاد با آنها قرار داشت، سعی داشتند تا ضمن ایجاد ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در جهان، ایران را مجبور به پذیرش و همراهی با ارزش‌های خود کنند. بنابراین، نگاه ساختار نظام بین‌الملل به ایران نوعی نگاه امنیتی و نظامی است که در آن ایران به‌عنوان تهدیدگر بالقوه، چالشگری خطرناک و محور شرارت خوانده می‌شود. امریکا در طول چهار دهه گذشته تلاش کرده است تا تسلط خود را بر خرده‌نظام‌های منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس به‌منظور مهار ایران و تأمین منافع خود حفظ کند. امریکا در این زمینه تلاش داشته است تا با اعمال فشارهای اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و تهدید نظامی، ایران را به تغییر رفتار خود وادار سازد (Katzman, 2021).

این در حالی است که ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت خود خواهان افزایش نفوذ و نقش خود در سطح منطقه‌ای است، و حضور امریکا را در خرده‌نظام‌های منطقه‌ای خاورمیانه، تهدیدی علیه امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. از سوی دیگر، کشورهای خواهان توسعه که اولویت نخست را مسائل توسعه و اقتصاد قرار داده‌اند، تلاش دارند با رعایت قواعد بازی متأثر از الزامات وابستگی متقابل، در پی حداکثرسازی منافع ملی و دستیابی به آن، از هرگونه سیاست‌های تهاجمی و تنش‌آمیز هم در سطح منطقه‌ای و هم بین‌المللی پرهیز کرده، و شرایط را برای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه فراهم سازند. با وجود برخورداری ایران از موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیک در منطقه، متأثر از تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه آن، اتخاذ جهت‌گیری اتکا به درون و پرهیز از تعاملات تجاری با سایر کشورهای جهان، انزوایابی را به ایران تحمیل می‌کند، و سبب‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی و بازدارندگی توسعه پایدار در ایران خواهد شد. به این دلیل که توسعه‌یافتگی فرایندی منفک و بدون ارتباط با اتخاذ سیاست خارجی نیست و لازمه دستیابی به آن و حرکت در مدار توسعه، در پیش گرفتن دیپلماسی

فعال اقتصادی در سطوح خرد و کلان و در تعاملات با سایر اعضای نظام بین‌الملل است، بدین‌منظور در این مسیر باید از ایجاد هرگونه تنش که سبب‌ساز توقف جهت‌گیری توسعه شود، پرهیز کرد و کنش‌های تقابلی‌جویانه با اعضای جامعه جهانی را در ابعاد ساختاری، هنجاری و نهادی متوقف ساخت، و در جهت همگرایی و تعاملات و کنش‌های همکاری‌جویانه راهبردها و دیپلماسی‌های مناسب را اتخاذ کرد.

تقویت توسعه برون‌گرا و اتخاذ نظام بازار آزاد در کنار تعامل سازنده با ساخت نظام بین‌الملل راهبردهای مناسبی به‌منظور تحقق فرایند توسعه اقتصادی است. این راهبردها می‌تواند با ایجاد فضای امنیتی برای توسعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نیز انتقال فناوری‌های روز دنیا بر راه‌اندازی موتور توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته بسیار تأثیرگذار باشند. در این زمینه اتخاذ راهبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی منسجم با هدف تعامل سازنده با نظام بین‌الملل و بهره‌گیری از دانش، سرمایه، فناوری و امکانات آن و نیز ظرفیت‌های مالی و فنی همسایگان بسیار اساسی و مورد نیاز کشور است. در واقع دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند سیاست خارجی پویا و تعاملی با جهان خارج است؛ و با توجه به وابستگی متقابل و پیشرفت دنیای ارتباطات و اطلاعات بدون برخورداری از یک سیاست خارجی و دیپلماسی فعال، تعاملی و سازنده، امکان دستیابی به توسعه‌یافتگی اقتصادی در جهان امروزی میسر نخواهد بود.

اقتصاددانان بر این باورند که توسعه موفقیت‌آمیز بدون تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر و مناسب امکان‌پذیر نیست (Kregel, 2004: 280). بسیاری از سیاستمداران و پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که رسیدن به اقتدار سیاسی و امنیتی به کسب اقتدار اقتصادی نیاز دارد (موثقی و بیات، ۱۳۹۹: ۱۰۰۸). به‌عبارت دیگر، از الزامات سیاستگذاری کشورها این است تا همزمان با تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی هماهنگ، کارا و پویایی را در پیش بگیرند، و ضمن تعامل سازنده با سایر بازیگران عرصه روابط بین‌الملل و کاهش موانع و تنش‌های خارجی، زمینه را برای حداکثرسازی منافع ملی و دستیابی به توسعه‌یافتگی فراهم کنند. ارزیابی سرمایه‌گذاران خارجی از شرایط اقتصادی و سیاسی ایران برای حضور فعالانه و مستمر این است که سودآور، ساختارمند و باثبات نیست؛ و ریسک سرمایه‌گذاری زیاد برآورد می‌شود. برقراری روابط سازنده تعاملی مؤثر و کمک به اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی مستلزم سیاستگذاری اقتصادی مبتنی بر ساختارهای اقتصاد بین‌الملل، و مقررات و استانداردهای بین‌الملل است (نقدی و دیگران: ۱۳۹۹: ۱۰). نگاهی به تجربه چین نشان می‌دهد که سیاست خارجی عمل‌گرا و اقتصادمحور متکی بر اصول همزیستی مسالمت‌آمیز به‌جای تأکید نامتناسب بر رویکرد ایدئولوژیک صرف می‌تواند به ارتقای جایگاه

نسبی یک کشور در نظام بین‌الملل منجر شود (نقدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰). در کشورهای مثل چین پس از دوران مائو، که فرایند توسعه‌یافتگی را با موفقیت طی کرده‌اند، سیاست خارجی آنها در خدمت تأمین اهداف توسعه اقتصادی قرار داشته است، و ضمن تعامل سازنده و متقابل با نظام بین‌الملل، منابع، امکانات و زمینه‌های لازم را برای تحقق توسعه فراهم کند.

در واقع، راهبرد سیاستگذاری پویا در تعاملات بین‌المللی با هدف توسعه اقتصادی نیازمند برخورداری از چهار رکن اصلی مبتنی بر تعامل سازنده منطقه‌ای و بین‌المللی، فهم کارکرد ساختارهای اقتصاد بین‌الملل، تطابق با استانداردهای بین‌الملل و لحاظ منافع ملی است (نقدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۷). با توجه به اعمال تحریم‌های بین‌المللی امریکا علیه کشور، ضروری است تا تمرکز بر سیاست خارجی و اعمال راهبردهای مفید، کارآمد و فعال و تلاش برای فائق آمدن بر محدودیت‌های خارجی دوجندان شده و از ظرفیت‌های تجاری، فناورانه و علمی سایر بازیگران جهانی استفاده بهینه شود. برای ارتقای سطح و مبادلات اقتصادی با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا پیشنهاد شد که رویکرد جدیدی در امور اقتصادی اتخاذ شود، اکنون عامل تعیین سرفرا براساس ملاحظات امنیتی و سیاسی و نه اقتصادی است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۹). برای رشد و پیشرفت اقتصادی و افزایش سهم کشور از اقتصاد جهانی، ایران باید اتصال و تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازار جهانی در زمینه سرمایه‌گذاری انتقال فناوری را به اولویت دیپلماسی و سیاست خارجی خود تبدیل کند. بی‌شک ایران به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها و رفع موانع درباره تحقق اهداف توسعه‌محور کشور، به تعامل و مشارکت در امور بین‌المللی نیاز مبرم دارد. رتبه جهانی ایران براساس منابع تولیدی مهم هفتم است و حتی در مقایسه با قدرت‌های بزرگ اقتصادی مانند آلمان و انگلستان دارای منابع راهبردی بیشتری است، اما بازده اقتصادی و کیفیت زندگی با این جایگاه نسبی نامتناسب است (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). با وجود منابع غنی مانند نفت و گاز، ایران نتوانسته است به توسعه‌یافتگی پیشرفته دست یابد (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۴۷).

هم‌اکنون اقتصاد ایران با ویژگی‌هایی مانند رشد اقتصادی منفی، نرخ بیکاری بالا، نرخ تورم بسیار شدید، سطح پایین زندگی و درآمد سرانه، سطح پایین بهره‌وری، نبود توزیع عادلانه درآمد و ضریب جینی بالا، نظام اداری ناکارآمد، اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت، فساد اداری گسترده، نظام آموزشی نامناسب و وجود روحیه مدرک‌گرایی، بخش خدماتی فربه و تعطیلی بخش تولید، شاخص ریسک‌پذیری بالا، و میزان اندک جذب سرمایه‌گذاری خارجی معرفی می‌شود. در ایران بسیاری از فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصاد به‌صورت انحصاری و در اختیار گروه‌های خاص و رانت سیاسی - اقتصادی درآمده است. این پدیده سبب تخصیص ندادن بهینه منابع، مخدوش شدن سازوکارهای قیمت و بازار، نبود کارایی بخش اقتصاد و

تضعیف شدید بخش خصوصی می‌شود؛ و در نهایت به‌عنوان زمینه‌ای برای وضعیت امتناع توسعه^۱ در کشور عمل می‌کند. بحران ملی بهره‌وری با وجود تزریق هزاران میلیارد دلار از محل درآمدهای صادراتی بر اثر سوءکارکردها و اتلاف، و اسراف، ناتوانی در ایجاد فرصت‌های شغلی مولد به رشد کم و حتی رشد منفی اقتصادی منجر شده است (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). اقتصاد زیرزمینی ناشی از انحصارات دولتی نزدیک به ۲۵ درصد اقتصاد را در برمی‌گیرد. رشد اقتصاد زیرزمینی به گسترش فساد اقتصادی و اجتماعی و دشواری مدیریت اقتصاد انجامیده است (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۵۲). در واقع، حاکمیت مطلق بخش دولتی بر اقتصاد کشور، ایجاد مقررات و قوانین دست‌وپاگیر و بسیار زیاد بر سر راه بخش خصوصی، کنترل و دستکاری قیمت‌ها، اعطای اعتبارات و معافیت‌های مالیاتی به بخش‌های زیر نظارت دولتی و شبه‌دولتی، مخدوش کردن فضای رقابتی و نبود شفافیت و پاسخگویی در بخش‌های مالی و نظام بانکی از دیگر ویژگی‌های اقتصادی کشور است.

این پرسش مطرح می‌شود که آیا کشورهای دیگر به‌ویژه آنهایی که از لحاظ ویژگی‌های ملی و ژئواستراتژیک مشابه ایران به‌شمار می‌آیند، اما سیاست تعامل‌گرایی در نظام بین‌الملل را برگزیده‌اند، دارای رشد و توسعه اقتصادی بهتری بوده‌اند؟ در مقایسه با کره جنوبی، ایران در روند توسعه اقتصادی - سیاسی کامیابی مورد انتظار را نداشته است (قادری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱). در ۱۹۵۰، تولید ناخالص داخلی ترکیه ۲۲ درصد بیشتر از ایران بود، اما تولید ناخالص داخلی کره جنوبی و ویتنام کمتر از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران بود. در ۱۹۷۸ که انقلاب رخ داد، اقتصاد ایران ۲۶ درصد بزرگ‌تر از ترکیه، ۶۵ درصد بالاتر از کره جنوبی و حدود ۵/۵ برابر ویتنام بود. در ۲۰۱۷، تولید ناخالص داخلی اسمی ترکیه ۲/۴ و کره ۷/۲ برابر بزرگ‌تر از ایران بود، در حالی که ویتنام ۷۰ درصد ایران است و به‌عنوان ببر آسیایی نوپیدا شناخته می‌شود. برای کشوری که از منابع انرژی سرشار و ارزشمند برخوردار است، این داده‌ها حاکی از آن است که اقتصاد ایران روند پیش از انقلاب خود را حفظ نکرد، و نتوانست همگام با کشورهای هم‌تراز و از خود عقب‌تر پیشرفت داشته باشد. برخلاف ایران، نوع تعامل این سه کشور با آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان در دهه‌های اخیر بیشتر تعاملی، آمیخته با همکاری و دوستانه بوده است. این در حالی است که ایران دارای توانمندی‌های داخلی مبتنی بر منابع طبیعی غنی، سرمایه انسانی کافی، و موقعیت ژئواستراتژیک برتر است (Chamlou, 2019).

۱. در نظریه امتناع توسعه، مطرح شده که میزان فرسودگی نظام سیاسی اقتصادی ایران چنان پیش رفته است که نمی‌توان انتظار داشت برنامه‌های توسعه در چنین ساختاری موفق باشند. اگر امروز برای توسعه سیاستگذاری مؤثر انجام گیرد، شاید طی ده سال آینده به نقطه‌ای رسیده شود که به آن «سال صفر توسعه» گفته شود (زنانی، ۱۴۰۰).

در دوره پانزده ساله (۱۳۵۵-۱۳۴۰)، نرخ رشد اقتصادی ایران بین ۵ تا ۱۷ درصد و میانگین این دوره ۱۰/۵ درصد بود. از ۱۳۵۶ تا پایان جنگ ایران و عراق میانگین نرخ رشد اقتصادی معادل ۲/۱- درصد محاسبه شده، و از پایان جنگ تا ۱۳۹۰ این نرخ بین ۲/۵- درصد تا ۱۶ درصد تغییر داشته است. میانگین نرخ در این دوره ۵/۲ درصد بود (زمان‌زاده، ۱۳۹۱). رشد تولید ناخالص داخلی (به‌عنوان یکی از متداول‌ترین شاخص‌های توسعه) در ۱۳۹۵، ۷/۱ درصد، در ۱۳۹۷ معادل ۴/۹- درصد، و در سه ماهه اول ۱۴۰۰ رقم ۷/۶ درصد نشان داده شد. نرخ بیکاری در جمعیت پانزده ساله در ۱۳۹۵ حدود ۱۲/۴ درصد، در ۱۳۹۷ حدود ۱۲ درصد و در بهار ۱۴۰۰ بیش از ۸/۸ درصد گزارش شد. در حالی که در برنامه ششم توسعه، میانگین نرخ بیکاری حدود ۱۰ درصد پیش‌بینی شده بود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰، ۱۳۹۹، ۱۳۹۸). درس بزرگ که ایران از تاریخ خود می‌تواند بگیرد، اقتصاد ایران برای رشد و توسعه نیاز دارد که به بقیه کشورها در نظام بین‌الملل متصل باشد، زیرا در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۲ دولت تهران موفق به کسب رشد اقتصادی سالانه ۱۰ درصدی شد، حتی در دورانی که درآمد نفتی زیاد هم نبود (Salehi-Isfahani, 2019).

ایران با وجود داشتن پایه‌ها و زیرساخت‌های قدرت و توسعه در ابعاد اقتصادی (منابع عظیم نفت و گاز)، جمعیتی، موقعیت مناسب ژئوپلیتیک، فرهنگی و گردشگری متأثر از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ضعیف و نامناسب داخلی و تقابل‌جویی خود با نظم بین‌المللی کنونی نتوانسته است متناسب با ابزارهای قدرت خود، به اهداف و مقاصد توسعه‌ای و اقتصادی خود برسد. به دلیل جهت‌گیری‌های داخلی و سیاست خارجی تهاجمی خود در طول این چهل سال هزینه‌های بسیار سنگینی را متحمل شده که بارزترین آن امتناع توسعه و خارج شدن ایران از مدار توسعه‌یافتگی و ورود به جرگه کشورهای توسعه‌نیافته است. متأثر از تبلیغات غربی‌ها امروزه در اذهان جهانیان ایران به‌عنوان بازیگری ناهمسو با ابعاد ساختاری، هنجاری و نهادی نظام بین‌الملل معرفی شده است؛ سیاست خارجی امریکا در تقابل با این ناهمسویی ایران بر این هدف متمرکز است تا امتناع توسعه را در ایران پایدار سازد، و از روند بازیابی اقتصادی ایران جلوگیری کند. این مسئله به‌نوبه خود مشکلات داخلی و نارضایتی عمومی را در داخل ایران تشدید می‌کند.

۵. نتیجه

ایران در چهار دهه گذشته تنها بخشی از اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیک خود را تحقق بخشیده است؛ این امر به تأخیر در روند توسعه همه‌جانبه منجر خواهد شد. علت اصلی آن را می‌توان در الگوی کنشی محدودکننده نظام بین‌الملل در برابر ساخت‌های انقلابی دانست. ضرورت‌های تقسیم کار بین‌المللی بیانگر آن است که روندهای محدودکننده نظام جهانی همواره علیه ایران

اعمال شده است. نظام بین‌الملل به‌ویژه ایالات متحده به‌عنوان بازیگر متوازن‌کننده ساختار جهانی با انواع سیاست‌ها و راهبردها از جمله جنگ، تحریم، اعمال فشار، تحمیل انزواگرایی درصدد محدودسازی قدرت ایران برآمده‌اند. اصلی‌ترین نتیجه بارز این کنش و واکنش‌ها در بعد داخلی کاهش قابلیت اجرایی برنامه‌های توسعه ایران بوده است. چنین فرایندی، دلایل اساسی است که بیشتر برنامه‌های توسعه ملی تدوین شده، با شکست مواجه شده و نتوانسته‌اند اهداف پیش‌بینی شده خود را محقق سازند. ایران برای قرارگیری در مدار توسعه نیازمند کسب اعتماد سایر بازیگران جهانی بوده است. در این شرایط بازیگر ضدسیستم به بازیگری خواهان تغییر در درون سیستم به‌صورت صلح‌آمیز تبدیل می‌شود.

ساختار نظام بین‌المللی و به‌طور مشخص قدرت برتر آن (امریکا) نیز با انواع کنش‌ها و واکنش‌ها در برابر ایران از راه‌ها و ابزارهای مختلف مانند تحریم اقتصادی، مهار، تهدید نظامی، حمایت از رقبا و دشمنان منطقه‌ای و جلوگیری از ورود سرمایه و فناوری پیشرفته به ایران بهره گرفته است تا از توسعه اقتصادی ایران جلوگیری کرده و مانع دستیابی آن به اهداف ملی خود شود. براینده این وضعیت نیز کند شدن روند توسعه‌یافتگی و تشدید وضعیت نابسامانی اقتصادی در ایران بوده است، زیرا فرایند توسعه در هر کشوری برآیندی از اهتمام کارگزاران داخلی و همیاری محیط منطقه‌ای و بین‌المللی مساعد است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره را، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آجیلی، هادی. (۱۳۹۹)، پاییز «مناظره ساختار- کارگزار در روابط بین‌الملل از منظر امام خمینی (ره) و گفتمان انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲، ۹: ۴۳-۷۲، <DOI:10.22054/QPSS.2020.42256.2312>
۲. ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: قومس.
۳. اسپوزیتو، جان. (۱۳۸۲) انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی. تهران: باز.
۴. اصغرزاده، شیدا. (۱۳۹۵)، اسفند ۹ «بررسی سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹)»، ۶. توسعه پایدار با تأکید بر محیط زیست، گزارش‌های کارشناسی، مرکز پژوهش‌های مجلس. در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1011033>
۵. افروغ، عماد. (۱۳۹۴) شرحی بر دیالکتیک روی باسکار. تهران: علم.
۶. آقا محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۰)، پاییز «چارچوب تحلیلی ساختار- کارگزار در سیاست خارجی ایران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۶، ۴: ۴۰-۷. در: http://www.ipsajournal.ir/article_156.html

۷. بصیری، محمدعلی؛ حمید احمدی نژاد. (۱۳۹۵) «تبیین دیپلماسی فرهنگی سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد در نظام بین الملل»، فصلنامه ره‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۷، ۴۶-۴۷-۹. در: https://piaj.sbu.ac.ir/article_99464.html
۸. جعفری، انوش. (۱۳۸۲) *ناکارآمدی ساختار اداری ایران در ریاست مدیریت*. تهران: رژین.
۹. جعفری، انوش؛ حمیده قنبری. (۱۳۹۶، شهریور) «مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه پژوهش ملل، ۲، ۲۱-۶۱-۴۷. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20171231154848-10056-160.pdf>
۱۰. جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۶۲) *گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: سخن.
۱۱. جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ مصدق گنج‌خانلو. (۱۳۹۹، بهار) «الگوی روابط عوامل کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، ۵۰، ۱: ۴-۲۱. <DOI:10.22059/PQ.2020.277711.1007399>
۱۲. دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۱، ۲۷ دی) «موقعیت شاخص‌های اقتصادی ایران و جهان-۳. رشد اقتصادی»، در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/828473>
۱۳. رنانی، محسن. «آزمون‌های بر نظریه امتناع توسعه در ایران»، ساعت ۲۴. در: <https://www.saat24.news/news/5979>
۱۴. زمان‌زاده، حمید. (۱۳۹۱، تابستان) «پنج دهه فراز و فرود تولید: بررسی علل رشد پایین و بی‌ثبات اقتصاد ایران»، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، ۱۳، ۱۳۶-۲۰۴-۲۰۲. <http://t-e.mbri.ac.ir/userfiles/file/136/files/67-panj%20dahe%20faraz%20o%20flood.pdf>
۱۵. ستوده، محمد. (۱۳۷۲) *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۶. سیف، علی. (۱۳۹۱) *تولید مالی، چالش‌ها و راهکارها*. تهران: دانشگاه دفاع ملی.
۱۷. فولر، گراهام. (۱۳۷۷) *قبله عالم ژئوپولیتیک ایران*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
۱۸. قادری، رضا؛ و دیگران. (۱۳۹۹، پاییز) «مطالعه تطبیقی برنامه‌های توسعه ایران و کره جنوبی در چهار دهه گذشته با تأکید بر توسعه اقتصادی-سیاسی»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲، ۴: ۸۹-۱۰۷. در: https://jisds.srbiau.ac.ir/article_16592.html
۱۹. کریمی فرد، حسن؛ و دیگران. (۱۳۹۴، ۲۹ دی) «درباره برنامه ششم توسعه (۱۵) شاخص‌های توسعه‌یافتگی سیاسی: پیشنهادهایی برای برنامه ششم توسعه کشور»، *گزارش‌های کارشناسی، مرکز پژوهش‌های مجلس*. در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/951741>
۲۰. گروه کارشناسان، مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۷، ۱۳ مرداد) «برنامه فعالانه ضدتحریم (نسخه انتشار عمومی ۱،۷)»، در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1068143>
۲۱. مارش، دیوید؛ جری استوکر. (۱۳۷۸) *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. منقی، ابراهیم. (۱۳۸۷) «بررسی و الگوی فرایند تقابل‌گرایی امریکا علیه ایران در سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۰۸»، راهبرد، ۴۷: ۲۴۷-۲۰۹. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20110103142646-848.pdf>
۲۳. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰، مهر ۱۰) *گزارش فصلی اقتصاد ایران، بهار ۱۴۰۰*. در: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/gf-1-1400.pdf>
۲۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹، مهر ۵) *گزارش فصلی اقتصاد ایران، بهار ۱۳۹۹*. در: <https://www.amar.org.ir/news/ID/13119>

۲۵. مرکز آمار ایران. نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹. در: <https://amar.org.ir/Portals/0/News/1400/roshd99.pdf>
۲۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸) گزارش فصلی اقتصاد ایران، بهار ۱۳۹۸. در: https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1398/E%20Q_1398_1.pdf
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۲، ۱۳ آبان) «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۹، ۱۹ آبان) «وضعیت تجارت و ظرفیت‌های همکاری اقتصادی دوجانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1627599>
۲۹. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۶، بهار) «سنت واقع‌گرایی در ایران»، فصلنامه سیاست، ۴۷، ۱: ۲۲۰-۲۰۱، [DOI:10.22059/jpq.2017.60781](https://doi.org/10.22059/jpq.2017.60781)
۳۰. موثقی، سید احمد؛ داود بیات. (۱۳۹۹، پاییز) «علل و عوامل عقب‌ماندگی و توسعه ملی در ایران از نگاه عزت‌الله سبحانی»، فصلنامه سیاست ۵۰، ۳: ۱۰۱۴-۹۹۱، [DOI:10.22059/JPQ.2020.223142.1006982](https://doi.org/10.22059/JPQ.2020.223142.1006982)
۳۱. مؤمنی، فرشاد. (۱۳۹۵، بهار) «بنیه تولید ملی؛ بررسی انتقادی برنامه‌های توسعه و عملکرد اقتصاد»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵، ۱: ۱۶۹-۱۴۷، [DOI:10.22059/jisir.2016.5838a](https://doi.org/10.22059/jisir.2016.5838a)
۳۲. نقدی، فرزانه؛ و دیگران. (۱۳۹۹) «تدوین راهبرد سیاست‌گذاری پویا در تعاملات بین‌المللی برای توسعه اقتصادی ج.ا. ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۶، ۵۸: ۳۱-۷، [DOI:10.1001.1.17354331.1399.16.58.1.9](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1399.16.58.1.9)

(ب) انگلیسی

33. Batrawy, Aya. (2020, November 11) "Saudi King Points to Iran as Top Threat in Policy Speech," *ABC News*. Available at: <https://abcnews-go-com.cdn.ampproject.org/v/s/abcnews.go.com/amp/International/wireStory/saudi-king-points-iran-top-threat-policy-speech-74163345> (Accessed 5 May 2021).
34. Bhaskar, Roy. (1979) *The Possibility of Naturalism*. Brighton: Harvester Press.
35. Bhaskar, Roy. (1975) *A Realist Theory of Science*. Brighton: Harvester Press.
36. Bhaskar, Roy. (1986) *Scientific Realism and Human Emancipation*. London: Verso.
37. Bhaskar, Roy. (1998) *Introduction, in Critical Realism, Essential Readings*. London: Routledge.
38. Chamlou, Nadereh. (2019, February 1) "Iran's Economic Performance since the 1979 Revolution," *atlanticcouncil.org*. Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/iran-s-economic-performance-since-the-1979-revolution> (Accessed 25 July 2021).
39. Jessop, Bob. (1990) *State Theory: Putting the Capitalist State in its Place*. Cambridge: Polity Press.
40. Katzman, Kenneth. (2021, January 11) "Iran's Foreign and Defense Policies," *CRS Report R44017*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R44017.pdf> (Accessed 11 September 2021).
41. Kregel, Jan. (2004) "Two Views on the Obstacles to Development." *Social Research* 71, 2: 279-292. Available at: www.jstor.org/stable/40971695 (Accessed 25 July 2021).
42. Mohamma Nia, Mahdi. (2012) "Iran's Foreign Policy: Toward a Constructivist Perspective," *Journal of Political Science* 30, 1: 1-40. Available at: <http://ps.gcu.edu.pk/wp-content/uploads/2015/02/Dr.-Mahdi-Mohammad-Nia.pdf> (Accessed 30 July 2021).

43. Salehi-Isfahani, Djavad. (2019, March 14) "Iran's Economy 40 Years after the Islamic Revolution," *brookings.edu* (Brookings Institution). Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/03/14/irans-economy-40-years-after-the-islamic-revolution/> (Accessed 25 July 2021).
44. Salehzadeh, Alan. (2013) "Iran's Domestic and Foreign Policies," *Working Papers* 49, 4. National Defence University Department of Strategic and Defense Studies, Finland. Available at: <https://www.doria.fi/bitstream/handle/10024/92615/Alan%20Salehzadeh%20-%20Iran%20%28verkko%29.pdf?sequence=2&isAllowed=y> (Accessed 30 July 2021).
45. Snyder, Robert S. (1999) "The U.S. and Third World Revolutionary States: Understanding the Breakdown in Relations," *International Studies Quarterly* 43, 2: 265–90. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2600756> (Accessed 30 July 2021).
46. Soltani, Fakhreddin; and Reza Ekhtiari Amiri. (2010, September) "Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution," *Journal of Politics and Law* 3, 2: 199-206. <DOI:10.5539/jpl.v3n2p199>.



Research Paper

Confrontational Agent-Structure Interaction and Iran's Development: A Critical Realist Approach

Ibrahim Mottaghi^{1,*}, Golnaz Narimani²

¹ Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² A PhD Candidate in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 3 April 2020, Accepted: 20 June 2022

© University of Tehran

Abstract

The development challenges of Iran in the years after the victory of the Islamic Revolution are related to two fundamental issues: First, Iran is trying to gain an advantageous economic, political and strategic position in the region far more than its allocated share in the international division of labor. Such an approach challenges the balance of power in the global economic order and the western-dominated world. Second, Iran has decided to follow a political path in opposition to the structure, institutions and norms of the international system because it considers the current system to be unjust and untenable. Historical experience has shown that the global capitalist system has worked against the actors which have attempted to oppose and undermine its foundations. Therefore, the main obstacle to Iran's development in the post-revolution era has been the non-compromising orientation of Iran's foreign policy. The behavioral pattern of Iran (as an agent)'s interactions with the structure of the international system has worked against its development plans.

The main purpose of this article is to answer two questions: 1. How has Iran interacted with the international system since 1979? 2. What are the consequences of the confrontational agent-structure interaction which have characterized Iran's foreign relations during 1979-2021 time period? 3. To what extent has this type of interaction with the international system affected Iran's development? In the research hypothesis, the authors assert that confrontational agent-structure interaction between Iran and the international system has adversely affected Iran's development. Using Baskar's theory of critical realism, the nature of Iran's domestic system (e.g., the nature of its political elites and their worldviews, type of political system, and foreign policy orientation) as well as Iran's interactions with the components of the international system (i.e., structure, institutions and norms) are discussed. Then, the implications of such interactions are analyzed by the use of a

* Corresponding Author Email: emottaghi@ut.ac.ir

qualitative content analysis of documents and texts of speeches and comments made by key Iranian decisionmakers. The results indicate the negative impact of the ideological inconsistency and contradiction between Iran's domestic agents and their interaction with the structure, institution and normative dimensions of the international system; and this has in turn led to the slow-down of the country's development.

Keywords: Iran, Agent-Structure, Confrontational Interaction, Development, Critical Realism

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-0883-7764>

References

- Afrough, Emad. (2015) *Sharhi bar diālektik-e Roy Bāskār (A Description of the Dialectic of Roy Baskar)*. Tehran: Elm. [in Persian]
- Aghamohammadi, Ibrahim. (2011, Fall) "Chārchob-e tahlil-ye sāktār-kārgozār dar siyāsāt-e khāreji-ye Īrān (Analytical Framework of Structure-Agent in Iran's Foreign Policy)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye oloom-e siyāsī (Research Journal of Political Science)* 6, 4: 40-7. Available at: http://www.ipsajournal.ir/article_156.html (Accessed 30 July 1400). [in Persian]
- Ajili, Hadi. (2020, Fall) "Monazere-ye sāktār-kārgozār dar ravābet-e bein'ol mellal az manzar-e imām Khomeini (RA) va goftemān-e enghelāb-e eslāmi (Structure-Agent Debate in International Relations from the Perspective of Imam Khomeini and the Discourse of the Islamic Revolution)," *Pajohesh'hā-ye rāhbordi-ye siyāsāt (Strategic Policy Research)* 2, 9: 43-72, <DOI: 10.22054 / QPSS.2020.42256.2312>. [in Persian]
- Asgharzadeh, Sheida. (2017, February 27) "Baresi-ye sanad-e barnāme-ye sheshom-e tose'-ye eghtesādi, ejtemā'i va farhangi jomhouri-e eslāmī-'i Īrān (A Study of the Sixth Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2016-2020)– VI. Sustainable Development with an Emphasis on Environment)," *Ghozāresh'hā-ye karshenāsi, markaz-e pajohesh'hā-ye majlis (Majlis Research Center Expert Reports)*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1011033> (Accessed 2 October 2021). [in Persian]
- Azghandi, Alireza. (2009) *Siyāsāt khareji-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān (Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran)*. Tehran: Qomes. [in Persian]

- Basiri, Mohammad Ali; and Hamid Ahmadinejad. (2016) "Tabin-e diplomāsi farhangi-ye seyyed mohammad khātami va Mahmood Ahmadinejād dar nezām-e bein'ol mellal (Explaining the Cultural Diplomacy of Seyyed Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad in the International System)," *Fasl'nāmeḥ-ye raḥyāft'hā-ye siyāsī va bein'ol mellali (Journal of Political and International Approaches)* 7, 46: 47-49. Available at: https://piaj.sbu.ac.ir/article_99464.html?lang=fa (Accessed 30 July 1400). [in Persian]
- Batrawy, Aya. (2020, November 11) "Saudi King Points to Iran as Top Threat in Policy Speech," *ABC News*. Available at: <https://abcnews-go-com.cdn.ampproject.org/v/s/abcnews.go.com/amp/International/wireStory/saudi-king-points-iran-top-threat-policy-speech-74163345> (Accessed 5 May 2021).
- Bhaskar, Roy. (1975) *A Realist Theory of Science*. Brighton: Harvester Press.
- . (1979) *The Possibility of Naturalism*. Brighton: Harvester Press
- . (1986) *Scientific Realism and Human Emancipation*. London: Verso.
- . (1998) *Introduction, in Critical Realism, Essential Readings*. London: Routledge.
- Chamlou, Nadereh. (2019, February 1) "Iran's Economic Performance since the 1979 Revolution," *atlanticcouncil.org*. Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/iran-s-economic-performance-since-the-1979-revolution> (Accessed 25 July 2021).
- Esposito, John. (2003) *Enghelāb-e Īrān va bāztāb-e jahāni-ye ān (The Iranian Revolution and its Global Reflection)*, trans. Mohsen Modir Shanehchi. Tehran: Bāz. [in Persian]
- Expert Group, the Majlis Research Center. (2018, 13 August) "Barnāme-ye fa'ālāne-ye zed-e tahrīm (Active anti-Sanctions Program (Public Release Version 1.7)," *rc.majlis.ir*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1068143> (Accessed 10 October 1400). [in Persian]
- Fuller, Graham. (1998) *Gheble-ye ālam jeopolitik-e Īrān (The Center of The Universe: The Geopolitics of Iran)*, trans. Abbas Mokhber. Tehran: Markaz. [in Persian]
- Jafari, Anoush. (2003) *Nākār'āmadi-ye sākhtār-e edāri-ye Īrān dar riyāsāt-e modiriāt (Inefficiency of Iran's Administrative Structure in the Department of Management)*. Tehran: Regin. [in Persian]
- Jafari, Anousheh; and Hamideh Ghanbari. (2017, September) "Motāle'h mavan'e-ye tose'e eghtesadi jomhuri-e eslāmī-'i Īrān (Study of the Obstacles to Economic Development of the Islamic Republic of Iran)," *Mahname-ye pajohesh-e melal (Journal of Nations Research)* 2, 21: 61-47. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20171231154848-10056-160.pdf> (Accessed 24 July 1400). [in Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1983) *Ganj-e shāyegān-e ozsāe '-ye eghtesādi Īrān (Immense Treasure of Iran's Economic Situation)*. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Javadi Arjmand, Mohammad Jafar; and Mosadegh Ganj Khanloo. (2020, Spring) "Olgo-ye ravābet-e avāmel-e kelidi-ye tāsir'gozār bar siyāsāt-e khāreji-e jomhuri-e eslāmī-'i Īrān (The Pattern of Relations of Key Factors Affecting Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran),"

- Fasl'nāmeḥ-'i siyāsāt (Politics Quarterly)* 50, 1: 21-4, <DOI:10.22059PQ.2020.277711.1007399>. [in Persian]
- Jessop, Bob. (1990) *State Theory: Putting the Capitalist State in its Place*. Cambridge: Polity Press.
- Karimifard, hassan; and et al. (2016, January 19) "Darbāre-ye barnāme-ye sheshom-e tose'-15. Shākhesh'hā-ye tose'yāftegi-e siyāsi: Pishnehād'hā-i barā-ye barnāme-ye sheshom-e tose'-ye keshvar (On the Sixth Development Plan- XV. Indicators of Political Development: Recommendations for the Sixth Development Plan)," *Ghozāresh'hā-ye karshenāsi, markaz-e pajohesh'hā-ye majlis (Expert Reports, the Majlis Research Center)*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/951741> (Accessed 2 October 2021). [in Persian]
- Katzman, Kenneth. (2021, January 11) "Iran's Foreign and Defense Policies," *CRS Report R44017*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R44017.pdf> (Accessed 11 September 2021).
- Kregel, Jan. (2004) "Two Views on the Obstacles to Development," *Social Research* 71, 2: 279-292. Available at: www.jstor.org/stable/40971695 (Accessed 25 July 2021).
- Majlis Research Center, the. (2003, November 4) "Cheshm'andāz-e jomhouri-e eslāmī-'i Īrān dar ofogh-e 1404 (Perspective of the Islamic Republic of Iran on the Horizon of 1404 AH)," *rc.majlis.ir*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295> (Accessed 2 October 1400). [in Persian]
- Marsh, David; and Jerry Stoker. (1999) *Ravesh va nazarieh dar olom-e siyāsi (Methods and Theories in Political Science)*, trans. Amir Mohammad Haji Yusuf. Tehran: Strategic Research Center. [in Persian]
- Mohamma Nia, Mahdi. (2012) "Iran's Foreign Policy: Toward a Constructivist Perspective," *Journal of Political Science* 30, 1: 1-40. Available at: <http://ps.gcu.edu.pk/wp-content/uploads/2015/02/Dr.-Mahdi-Mohammad-Nia.pdf> (Accessed 30 July 2021).
- Mo'meni, Farshad. (2016, Spring) "Bonieh-ye toolid-e melli; baresi-ye enteghādi-ye barnāmeḥ'hā-ye tose' va amalkard-e egthesādi (Strength of National Production; A Critical Study of Economic Development Programs and Performance)," *Fasl'nāmeḥ-ye motāleāt-e va tahghighāt-e ejtemā'i dar Īrān (Social Studies and Research in Iran)* 5, 1: 169-147, <DOI: 10.22059/jisr.2016.5838a>. [in Persian]
- Moshirzadeh, Homeira. (2017, Spring) "Sonat-e vāghe'garāi dar Īrān (The Tradition of Realism in Iran)," *Fasl'nāmeḥ-'i siyāsāt (Politics Quarterly)* 47, 1: 220-201, <DOI: 10.22059/jpq.2017.60781>. [in Persian]
- Mottaqi, Ibrahim. (2008) "Baresi va olgo-ye farāyand-e taghābol'gārāi-ye āmrīca alayhe Īrān dar sāl'hā-ye 1979-2008 (Study and Model of the US Confrontational Process against Iran in 1979-2008)," *Fasl'nāmeḥ-ye rāhbord (Journal of Strategy)* 47: 209-247. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20110103142646-848.pdf> (Accessed 30 July 2021). [in Persian]

- Movassaghi, Seyed Ahmad; and Davood Bayat. (Fall, 2020) "Ellal va avāmel-e aghab'māndeghi va tose'-ye melli dar Īrān az negāh-e ezat'ollah sahābi (The Causes of National Backwardness and Development in Iran from the Perspective of Ezatullah Sahabi)," *Fasl'nāmeḥ-i siyāsāt (Politics Quarterly)* 50, 3: 1014-991, <DOI:10.22059/JPQ.2020.223142.1006982>. [in Persian]
- Naghdi, Farzaneh; and et al. (2020) "Tadvin-e rāhbor-e siyāsāt'gozāri-ye poyā dar tāmolat-e bein'ol mellali barāye tose' eghtesādi-ye jomhourī-e eslāmī-'i Īrān (Development of a Dynamic Policy Strategy in International Interactions for Economic Development of the Islamic Republic of Iran)," *Fasl'nāmeḥ-ye bein'ol mellali Jeopolitik (International Geopolitical Quarterly)* 16, 58: 31-7, <DOI: 20.1001.1.17354331.1399.16.58.1.9>. [in Persian]
- Office of Economic Studies, the Majlis Research Center. (2013, January 16) "Mogheiyāt-e shākhesh'hā-ye eghtesādi-e Īrān va Jahān- 3. Rosht-e eghtesādi (The Position of Economic Indicators in Iran and the World-III. Economic Growth)," *rc.majlis.ir*. Available at: <https://rc.majlis.ir/en/report/show/828473> (Accessed 2 October 2021). [in Persian]
- . (2020, November 9) "Vazeyāt-e tejārat va zarfiyat'hā-ye hamkāri-e eghtesādi-e dojānebeh-ye Īrān va etehādi-ye orāsiā (Trade Status and Capacities of Bilateral Economic Cooperation between Iran and the Eurasian Economic Union)," *rc.majlis.ir*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1627599> (Accessed 2 October 2021). [in Persian]
- Qaderi, Reza; and et al. (Fall, 1399) "Motāle'h-ye tatbighi-ye tose'-ye eghtesādi-e Īrān va koreh-ye jenobi dar chāhār dahe-ye gozashteh ba tākid bar tose'-ye eghtesādi-siyāsi (Comparative Study of Development Plans of Iran and South Korea in the Last Four Decades with an Emphasis on Economic-Political Development)," *Fasl'nāmeḥ-ye motāleāt-e tose'-ye ejtemā'i dar Īrān (Journal of Social Development Studies of Iran)* 12, 4: 107-89. Available at: https://jisds.srbiau.ac.ir/article_16592.html (Accessed 24 July 2021). [in Persian]
- Salehi-Isfahani, Djavad. (2019, March 14) "Iran's Economy 40 Years after the Islamic Revolution." *brookings.edu* (Brookings Institution). Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/03/14/irans-economy-40-years-after-the-islamic-revolution/> (Accessed 25 July 2021).
- Salehzadeh, Alan. (2013) "Iran's Domestic and Foreign Policies," *Working Papers*, No 49, Series 4. National Defence University Department of Strategic and Defense Studies, Finland. Available at: <https://www.doria.fi/bitstream/handle/10024/92615/Alan%20Salehzadeh%20-%20Iran%20%28verkko%29.pdf?sequence=2&isAllowed=y> (Accessed 30 July 2021).
- Ranani, Mohsen. "Azmoni bar nazariyeh-ye emtenā-e tose'dar Īrān (A Test of Theory of Refusal of Development in Iran)," *Saat-e 24*. Available at: <https://www.saat24.news/news/5979> (Accessed 21 April 2021). [in Persian]

- Seif, Ali. (2012) *Tahavolāt-e nezām-e bein'ol mellal va siyāsāt-e khāreji-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān* (Financial Production, Challenges and Solutions). Tehran: National Defense University. [in Persian]
- Snyder, Robert S. (1999) "The U.S. and Third World Revolutionary States: Understanding the Breakdown in Relations," *International Studies Quarterly* 43, 2: 265-90. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2600756> (Accessed 30 July 2021).
- Soltani, Fakhreddin; and Reza Ekhtiari Amiri. (2010, September) "Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution," *Journal of Politics and Law* 3, 2: 199-206. <DOI:10.5539/jpl.v3n2p199>.
- Sotoudeh, Mohammad. (2014) *Tahavolāt-e nezām-e bein'ol mellal va siyāsāt-e khāreji-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān* (Developments in the International System and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran). Qom: Bostān-e ketāb. [in Persian]
- Statistics Center of Iran. (2019) "Gozāresh-e fasli-ye eghtesādi-ye Īrān, bahar-e 1398 (Quarterly Report of Iran's Economy, Spring 2019)," *amar.org.ir*. Available at: https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1398/E%20Q_1398_1.pdf (Accessed 11 December 2021). [in Persian]
- . (2020, September 27) "Gozāresh-e fasli-ye eghtesādi-ye Īrān, bahar-e 1399 (Quarterly Report of Iran's Economy, Spring 2020)," *amar.org.ir*. Available at: <https://www.amar.org.ir/news/ID/13119> (Accessed 11 December 2021). [in Persian]
- . (2021, October 2) "Gozāresh-e fasli-ye eghtesādi-ye Īrān, bahar-e 1400 (Quarterly Report of Iran's Economy, Spring 2021)," *amar.org.ir*. Available at: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/gf-1-1400.pdf> (Accessed 11 December 2021). [in Persian]
- . (2021) "Nerkh-e roshd-e eghtesadi sal-e 1399 (Economic Growth Rate, 2021)," *amar.org.ir*. Available at: <https://amar.org.ir/Portals/0/News/1400/roshd99.pdf> (Accessed 11 December 2021). [in Persian]
- Zamanzadeh, Hamid. (2012, Summer) "Panj dahe farāz va forod-e tolid: baresi-ye elal-e roshd-e pāeen va bisobāt-e eghtesād-e (Five Decades of Ups and Downs of Production: A Study of the Causes of Low Growth and Instability of the Iranian Economy)," *Fasl'nāmeḥ-ye taze'hā-ye eghtesād Īrān* (New Economy Quarterly) 136, 13: 204-202. Available at: <http://te.mbri.ac.ir/userfiles/file/136/files/67-panj%20dahe%20faraz%20o%20flood.pdf> (Accessed 11 December 2021). [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.